

رتبه بندی محلات شهری از لحاظ میزان مشارکت زنان در امور مدیریت محله ای (نمونه موردی: منطقه ۲۰ شهرداری تهران)

فضل اله اسمعیلی^۱، مریم بیرانوندزاده^۲، سعیده رشیدی اصل^۳، مهدی خداداد^۴

^۱ استادیار گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور شهریار، تهران، ایران

^۲ دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه ریزی شهری و پژوهشگر جهاد دانشگاهی واحد لرستان، خرم آباد، ایران

^۳ کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد بروجرد، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، بروجرد، ایران

^۴ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف، رتبه بندی محلات منطقه ۲۰ شهرداری تهران از لحاظ میزان مشارکت زنان در امور مدیریت محله تدوین شده است. روش به کار گرفته شده، توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری، محلات منطقه ۲۰ تهران شامل؛ محلات (جوانمرد قصاب، منصوریه، دیلمان، بهشتی، ظهیرآباد، حمزه آباد، ولی آباد) می باشد. نتایج تحقیق با توجه به شاخص های مورد استفاده، نشان می دهد محلات دیلمان، جوانمرد قصاب، منصوریه در رتبه های اول تا سوم قرار دارند به عبارت دیگر؛ مشارکت زنان در این محلات نسبت به سایر محلات مورد بررسی، بیشتر بوده است.

واژه های کلیدی: مشارکت، زنان شهری، محلات شهری، مدل الکترا، منطقه ۲۰ شهرداری تهران.

۱- مقدمه

شرط بقا در دنیای پرشتاب کنونی استفاده از همه منابع موجود و توان افزایشی کلیه ظرفیت‌هایی می‌باشد که در اختیار است (نوابخش و زارع، ۱۳۸۸: ۵).

از هنگامی که بشر پای بر هستی نهاده، زنان در همه عرصه‌های زندگی همچون اقتصاد، سیاست، دین و فرهنگ و هنر، پا به پای مردان نقشی حیاتی و خلاق ایفا کرده، در جای‌جای تمدن بشری نشانه‌های سازنده خویش را بر تارک زمان حک کرده‌اند و درخشش ماندگاری را هم اکنون در گنجینه‌های بزرگ دنیا در قالب آثار بازمانده از عصر ماقبل تاریخ، تاریخ و زمان متأخر به نمایش گذاشته‌اند (رستمی، ۱۳۸۳: ۴۰).

زنان راهبردهایی مثل تحرک اجتماعی را برای رسیدن به هدف خود به خدمت می‌گیرند و اگر سهم خودشان از اجتماع را نپذیرند ممکن است تصمیم بگیرند که پایگاه‌های فردیشان را به وسیله معانی فردی بالاتر ببرند (سیف‌اللهی و رازقیان، ۱۳۸۷: ۲۹).

در دهه‌های اخیر بهره‌مند شدن بیشتر زنان از تحصیلات دانشگاهی و روی آوردن آنها به فعالیت اقتصادی در شهرهای کوچک و بزرگ ارزش‌های جدیدی را ایجاد کرده و باعث دگرگونی جایگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ایجاد هویت‌های جدید برای زنان شده است (سعیدی، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

زنان در کشور‌های در حال توسعه، امید اول برای ارتقاء خانواده‌ها و رشد و توسعه کشورهای خود هستند. موفقیت زنان کارآفرین در این جوامع نه تنها سبب سود اقتصادی می‌شود بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می‌نماید. اما میلیون‌ها زن در این کشورها با موانع ساختاری و فرهنگی در کسب و کار مواجه‌اند و مشکلات متعددی مانند فقدان سرمایه، منابع و قدرت اقتصادی را تحمل می‌کنند (گلرد، ۱۳۸۳). مطالعات اخیر صاحب‌نظران اجتماعی نشان می‌دهد که دستیابی به توسعه پایدار، بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست (اکبری، ۱۳۹۱: ۳۸). مسئله نگرش فرهنگی مردم ما به کار و شغل زن نیز مسئله مهمی است که باید در رابطه با توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرد. اصلاح نگرش فرهنگی جامعه به کار زنان چه در حوزه تولید و چه در حوزه‌های دیگر مانند خدمات اجتماعی می‌تواند جایگاه زنان را در عرصه‌های کار و تولید ارتقاء بخشد (زاهدی، ۱۳۷۶: ۴). فعالیت‌های اقتصادی زنان در جهان و جهت‌گیری آنان به سمت فعالیت‌های کارآفرینانه به دلایل متعددی از جمله بیکاری، استقلال، کسب درآمد پایین بودن دستمزدها و عدم رضایت از شغل قبلی است. اما عوامل مختلفی در تسهیل و یا تضعیف این فعالیت‌ها در جوامع مختلف موثر است. بررسی این عوامل می‌تواند در توسعه فعالیت کارآفرینانه زنان نقش مهمی ایفا نماید (ذکریایی و مختارپور، ۱۳۸۹: ۱۵۶). وضعیت زنان در هر جامعه‌ای نشانگر میزان پیشرفت آن جامعه است، و این واقعیتی است که روز به روز تعداد بیشتری آن را در می‌یابند (محمودیان، ۱۳۸۲: ۱۹۳). تحقیقات در مورد زنان شاغل در شهر و روستا، باعث شد که اهمیت و انواع فعالیت‌های تولیدی زنان در اقتصاد جهان سوم روشن شود اما در مورد زنان روستایی این موضوع اهمیتی دوچندان می‌یابد، زیرا زن بودن در دنیای امروز به خودی خود احتمال بودن در دایره فقر را افزایش می‌دهد (چانت، ۲۰۰۳). مسائل مربوط به شرکت همه‌جانبه زنان در فرایند برنامه توسعه ملی به تدریج از دهه ۱۳۵۰ (ش.ه) وارد دستور کار سازمان‌های توسعه ملی و بین‌المللی گردید. از سال ۱۳۶۰ ه.ش انتشار مقالات و کتاب‌های مربوط به زنان در امور توسعه به سرعت افزایش یافت (تورس، ۱۳۷۵: ۳۶). از ۱۹۸۰ میلادی مفهوم جنسیت و توسعه تا حد زیادی جایگزین عبارت زن در توسعه شده است. جنسیت و توسعه به خودی خود با زنان کاری ندارد، بلکه با ساخت اجتماعی جنسیت و تلقی جامعه نقش‌مسئولیت و انتظاراتی که جامعه از زنان و مردان دارد روبرو می‌شود (کولایی و حافظیان، ۱۳۸۵: ۳۶). مشارکت فرآیند تصمیم‌گیری می‌باشد (خانی و احمدی، ۱۳۸۸: ۹۶) و سبب حرکت به سوی توانمندسازی و فاصله گرفتن از پارادایم سنتی تدارک از طریق درگیر کردن مردمانی می‌شود که

موضوع توسعه هستند(حمیدی و گنوثرث ، ۱۹۹۷: ۱۴). یکی از مهم ترین راهبردهای عملی مشارکت زنان در توسعه، توانمندی زنان با تأکید بر این نکته است که مشارکت زنان صرفاً به مفهوم بهره مندی آنان از مزایا و نتایج برنامه های توسعه نیست، بلکه آنان باید در اجرای برنامه ها و طرح های توسعه مشارکت فعالانه داشته باشند(ساعی و ولی پور، ۱۳۸۸: ۶۸). عموماً نقش زنان در برنامه ریزی های محلی و منطقه ای نادیده گرفته شده است و فعالیت های روزمره زنان امری عادی و فاقد تأثیر ساختاری خاص در نظر گرفته شده است. در حقیقت زنان به عنوان کنش گرانی منفعل در روند تحولات بشری نگریسته شده اند(صفری شالی، ۱۳۸۰).

۲- ادبیات تحقیق

مشارکت مردم در برنامه ریزی شهری را می توان نگرشی عملگرا و واقع بینانه در برخورد با نارسایی های ناشی از برنامه های به اصطلاح از بالا به پایین تلقی کرد. شکست این برنامه در دستیابی به اهداف خود، این تصور را پرورش داد که نبود مشارکت- های مردمی در طراحی، اجرا و ارزیابی آن ها، زمینه ی ناکامی این برنامه ها بوده است. مشارکت مردم در برنامه ریزی از سال های ۱۹۶۰ در کشورهای پیشرفته و از ۱۹۷۰ در کشورهای رو به پیشرفت مرسوم شد. این نگرش به دنبال تأکید بر ابعاد اجتماعی در برنامه های توسعه آغاز شد و با اهمیت توجه به پایداری اجتماعی، به عنوان بستر تحقق سایر ابعاد پایداری مورد توجه بیشتری قرار گرفته است (سجادی و سوری، ۱۳۹۱: ۱۸۴). لوکاس معتقد است مشارکت زنان در روند تصمیم گیری ها یک روند توانمند- سازی است، فرصت هایی برای تصمیم گیری و تفکر جمعی فراهم می آورد، ظرفیت تفکر انتقادی را افزایش می دهد و موضوعات عدالت اجتماعی و کنش جمعی نسبت به اهدافی را که جامعه از آن نفع می برد، مجدداً نشان می دهد(لوکاس، ۲۰۰۱: ۱۸۷). گلاس مشارکت شهروندی را به منزله آماده کردن شهروندان با فرصت هایی برای شرکت کردن در تصمیم های دولت و پروسه برنامه ریزی می داند (گلاس، ۲، ۱۹۷۹: ۱۸۳). مشارکت به مفهوم دخالت عمومی در برنامه های توسعه شهری را از جمله عناصر مهم در پایداری اجتماعی نیز تلقی کرده اند؛ چرا که از طریق چرخه ای، مشارکت مردم را در توانمندسازی و ایجاد سرمایه های اجتماعی مؤثر دانسته که بازخورد آن به مشارکت بیشتر مردم و در نهایت، پایداری اجتماعی می انجامد (UNHSP^۳, 2009: 16). به نظر دسای تعاریف متعددی از مشارکت ارائه شده؛ ولی تعریف منسجمی از آن وجود ندارد. به باور وی، مشارکت به مفهوم برخورداری مردم از مزایای توسعه و داشتن سهم فعال و شرکت در تصمیم گیری در برنامه های توسعه در سطوح مختلف است(دسای، ۴، ۱۹۹۵: ۴۲). مشارکت به معنای در محور قرار دادن مردم در تصمیم گیری ها و از جمله پیش نیازهای توسعه پایدار می باشد (کارلی و کریک، ۵، ۱۹۸: ۱۱). افزایش مشارکت زنان، از جمله نتایج مطلوب افزایش برابری در خانواده، بازار و اجتماع است. مشارکت زنان، به عنوان حرکتی آگاهانه، آزاد و مسئولانه شناخته می شود که برای تمشیت امور جامعه ضروری است (چانت و امسی لاین، ۶، ۲۰۰۹: ۲۱۸). مشارکت زنان در امور مختلف جامعه، نقش مؤثری در کاهش فقر اقتصادی خواهد داشت (لی و پارک، ۷، ۲۰۱۱: ۱۹). حال رمز موفقیت پایداری محله ها را در نپذیرفتن راه حل های اوزالیدی از بیرون، بلکه اتکا بر

¹ Lucas

² Glass

³ United Nations Human Settlements Programme

⁴ Desai

⁵ Carley and Kirk

⁶ Chant & Mcllwaine

⁷ Lee & Park

تجربه‌ها و دانش ساکنان محلی می‌داند (هال^۸، ۲۰۰۶: ۱۶۵). نظریه‌ی مشارکت و توانمندسازی زنان، خواهان رفع نابرابری بین زنان و مردان در جامعه، تأمین همه نیازهای اولیه زنان، تقسیم کار در خانواده میان زن و مرد، امکان بهره برداری هر فرد از توانایی‌های خود و رفع تبعیض‌های قانونی بین زن و مرد است (کلاسن^۹، ۲۰۰۶: ۲۶۴). توجه به نقش زنان در فرایند توسعه از اوایل دهه هفتاد میلادی، ناشی از دو واقعیت مهم، عدم تحقق کلی نظریات توسعه در بهبود وضعیت کشورهای جهان سوم و موقعیت نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان در این کشورها بود (روح افزا و اکرامی، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

در بررسی مقاله‌ها و تحقیقات مرتبط با مشارکت زنان مواردی بسیاری موجود می‌باشد که در زیر به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

لهسایی‌زاده (۱۳۸۴)، به بررسی نقش زنان در فعالیت‌های اقتصاد روستایی و سهم آنان در این حوزه در استان فارس پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین تحصیلات و مشارکت اقتصادی آن‌ها رابطه معکوس وجود دارد. همچنین با افزایش سن، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی بیشتر می‌شود. با افزایش تحصیلات و درآمد مردان، مشارکت زنان کمتر می‌گردد. در نهایت مشخص شد که قوی‌ترین عامل تبیین‌کننده تغییرات میزان مشارکت اقتصادی زنان، نگرش رویکردهای فلسفی و حقوقی، حضور زنان به عنوان یک ضرورت می‌باشد. خادم‌الحسینی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای به بررسی عوامل بازدارنده بانوان در استفاده فضاهای شهری برای گذران اوقات فراغت پرداخته است، در مقاله یاد شده نگارندگان منطقه ۳ شهر اصفهان را به عنوان نمونه موردی انتخاب کرده‌اند که نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای سن، سطح تحصیلات، شغل، تأهل و میزان درآمد در گذران اوقات فراغت بانوان ساکن منطقه مؤثر می‌باشد. رضازاده و محمدی (۱۳۸۹)، در تحقیق بررسی حضور پذیری زنان در فضاهای شهری، به بررسی اصل شهروندی کثرت‌گرا به عنوان یکی از معیارهای جامعه مدنی پرداخته‌اند. زرین‌جوی و عباس‌پور (۱۳۹۱)، نقش زنان در بازاریابی کارآفرینانه را مورد مطالعه قرار داده‌اند، در این مقاله نویسندگان با بررسی اشتغال زنان در کشور به این نتیجه رسیدند که زنان دیگر خانه نشین نیستند و دارای تحصیلات عالی هستند که از این نظر از مردان برتری یافته‌اند. و بازاریابی کارآفرینی را یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های معضل بیکاری زنان در جامعه معرفی کرده‌اند. حسینلو و آقایی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "نقش شورایاران در جلب مشارکت شهروندی (نمونه موردی: منطقه ۴ شهر تهران)" به بازشناسی مفهوم و ضرورت شورایاری‌ها و یافتن علل اصلی نقصان کارکردی آن‌ها در زمینه جلب مشارکت شهروندان در منطقه ۴ شهر تهران پرداخته و نتیجه می‌گیرند که عملکرد شورایاری‌ها به عنوان نهاد مدیریت محلی به دلایلی نظیر مشکلات مدیریتی و قانونی در سطح سازمانی و مشکلات فرهنگی و اجتماعی در سطح محلی ناموفق بوده است و از جمله دلایل اصلی آن نگاه متفاوت شهروندان و شورایاران نسبت به الویت‌بندی مشکلات و نحوه برخورد با آن‌هاست. اسماعیلی، منشی‌زاده و شکاری (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی و رتبه‌بندی عوامل کلیدی تاثیرگذار بر مشارکت شوراهای اجتماعی محلات در مدیریت شهری" با استفاده از منطق دلفی و روش گلوله برفی به شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت شوراهای اجتماعی محلات در مدیریت شهری در قابل ۵ عامل اطلاع‌رسانی، مشاوره، توانمندسازی، احساس بی‌قدرتی و عوامل سازمانی پرداخته و در نهایت به ترسیم مدل بومی براساس عوامل فوق اقدام نموده است. ماجدی و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با روش توصیفی-تحلیلی به شناسایی شاخص‌های مؤثر بر مشارکت زنان در طرح‌های توسعه شهری پرداخته‌اند. آن‌ها نسبت به شغلشان است.

⁸ Hall

⁹ Klasen

سوزان رداشتورم ۱۰ (۲۰۰۳) به ارتباط ما بین هویت شهری و بازیابی آن و دستیابی به پایداری به مطالعه موردی بر روی محلات شمالی شهر تورنتو در کانادا می‌پردازد و تأکید می‌کند که در کلانشهرهای امروزی رمز دستیابی به توسعه پایداری شهری از طریق توجه به عامل "حفظ هویت محلات شهری" و ایجاد نهادهایی محلی برای تقویت و تداوم آن نهفته است. ضمن آنکه تأکید می‌کند که هویت فرهنگی ممکن است به سرعت، با عدم برنامه‌ریزی مناسب و در خور از دست برود. لیکن بازیابی و تحقق مجدد آن به سهولت و در کوتاه مدت امکانپذیر نخواهد بود (صارمی، ۱۳۸۶: ۶). سادکا هالیم ۱۱ (۲۰۰۵)، در پژوهشی با عنوان جنسیت و روستاهای دارا برق در کشور بنگلادش انجام داده است. یافته‌های تحقیق مذکور بیانگر این مطلب است که یکی از عوامل مؤثر بر ارتقای تصمیم‌گیری زنان روستایی سطح برخورداری از تکنولوژی است. ایلو ۱۲ و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان "بهبود برنامه‌ریزی محله‌ای، ویژگی‌های فیزیکی، ارزیابی شناختی و عاطفی و فعالیت در دو محله در شهر رم؛ پایتخت ایتالیا" با استفاده از مدل‌های خطی سلسله‌مراتبی نشان دادند که یک روش مؤثر برای شناسایی واحدهای همسایگی می‌تواند به بهبود امکانات تجاری محله و اوقات فراغت مطمئن، تراکم استاندارد ساختمان‌ها و بهبود فضای سبز، کمک کند. لنزی ۱۳ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان "ارتباط اجتماعی محله و مشارکت مدنی نوجوانان، مدلی یکپارچه با هدف توسعه اجتماعی محله‌ای" شیوه‌های مختلف مشارکت مدنی نوجوانان در شهر متوسط اندام ایتالیا را مطالعه کردند و نتیجه می‌گیرند که سطح مشارکت آنان در امور محله‌ای و ارتباط بین نسلی میان آنان و بزرگسالان را، نسبتاً بالا می‌باشد و این عوامل به تأثیر سیستم‌های اجتماعی در پرورش تعامل مدنی نوجوانان کمک می‌کند.

۳- روش تحقیق

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است، که بر اساس جمع‌آوری داده‌ها و شاخص‌های تحقیق در خصوص هدف مدنظر که در اینجا ارزیابی مشارکت زنان و رتبه‌بندی شاخص‌های مؤثر در مشارکت زنان در محلات منطقه ۲۰ شهر تهران بوده است. لازم به ذکر است که داده‌ها و اطلاعات مورد نظر در مورد شهر تهران از مرکز آمار و آمارنامه شهرداری تهران، طی سال‌های ۱۳۸۹-۹۰ اخذ شده است. برای این منظور شاخص‌های تمایل به مشارکت، مشارکت در حل مسائل اجتماعی، مشارکت در حل مشکلات محله، مشارکت در فعالیت‌های آموزشی، مشارکت فعالیت‌های فرهنگی در نظر گرفته شده که بعد از انتخاب و امتیاز دهی شاخص‌ها بر اساس الگوریتم الکترا که از روش‌های نارته‌ای تصمیم‌گیری می‌باشد، شاخص‌های امتیاز داده شده ارزیابی و رتبه‌بندی گردید. در محاسبات مربوط به وزن دهی، نرمال‌سازی و تشکیل ماتریس تصمیم بر پایه الگوریتم الکترا با کمک نرم افزار آ‌آ‌آ اس ورژن دو ۱۴ (۲۰۰۲) انجام یافته است. تعیین شاخص‌های با حداقل پشیمانی از انتخاب نیز پس از تعیین ماتریس وزنی الکترا و بر پایه حد آستانه ۰/۵ محاسبه شده است.

۴- معرفی محدوده مورد مطالعه

تهران سی و دومین شهری است که در به تاریخ ایران عنوان پایتخت رسمی انتخاب شده است. بر اساس آمار نامه سازمان شهرداری تهران جمعیت این شهر در سال ۱۳۹۰، ۸۱۵۴۰۵۱ نفر می‌باشد. تهران به ۲۲ منطقه و ۱۱۲ ناحیه (شامل ری و

¹⁰ - Soozan Radeshtoom

¹¹ - Sadeka, Halim

¹² - Aiello

¹³ - Lenzi

¹⁴ IRIS version 2

تجریش) تقسیم شده است. منطقه ۲۰ (شهرری) جنوبی‌ترین منطقه شهری شهرداری تهران است و دارای ۵ ناحیه داخل محدوده و ۲ ناحیه خارج محدوده می‌باشد. سابقه و قدمت ۶۰۰۰ ساله شهر ری و وجود اماکن و عناصر با ارزش تاریخی و همچنین جذب زوار حرم حضرت عبدالعظیم (ع) ویژگی‌های بسیار بارز و خاص تاریخی - مذهبی به این منطقه بخشیده و آن را نسبت به سایر مناطق تهران، مجزا و متفاوت ساخته است. جدا افتادگی کالبدی منطقه از تهران که تا سالیان اخیر نیز ادامه داشته است از خصایص بارز این منطقه به شمار می‌رود. جایگاه این منطقه از نظر فضای شهری نیز بسیار شاخص است و به عنوان عنصر اصلی و انسجام بخش فضای شهری تهران بشمار می‌آید.



شکل ۱- موقعیت محلات منطقه ۲۰ تهران

۵- یافته‌های تحقیق

روش الکترا

مدل الکترا جز خانواده روش چند معیاره است که برای اولین بار در سال ۱۹۹۲ یو ۱۵ آن را ارائه کرد و در سال‌های بعد توسعه داده شد. این روش، روش دسته‌بندی برای تصمیم‌گیری چند معیاره است که گزینه را بر اساس بازه‌های از پیش تعیین شده طبقه‌بندی می‌کند (ملک محمدی، زهرایی و کراچیان، ۱۳۸۷). این طبقه‌بندی در نتیجه مقایسه هر گزینه با پروفیل‌هایی که مبین مرز طبقات هستند حاصل می‌شود (برگر ۱۶، ۲۰۰۲). تکنیک الکترا توسط بنایون ۱۷ ارائه شد و سپس توسط وان دولف ۱۸، نیجکمپ ۱۹، روی ۲۰ و سایر همکارانش توسعه داده شده است. مفهوم این روش روابط رتبه‌بندی برتر است (طواری،

¹⁵ Yu

¹⁶ Berger

¹⁷ Benayoun

¹⁸ Van Delft

¹⁹ Nijkamp

سوختکیان و میرنژاد، ۱۳۸۷: ۷۶). در این روش از مفهوم تسلط به صورت ضمنی استفاده (خلیجی، وظیفه‌شناس، ۱۳۹۲: ۸) و گزینه‌ها به صورت زوجی با یکدیگر مقایسه می‌شوند و گزینه‌های مسلط و ضعیف (یا غالب و مغلوب) شناسایی شده و سپس گزینه‌های ضعیف و مغلوب حذف می‌شوند (روی، ۱۹۹۱). ایده اصلی این روش حذف آن دسته از گزینه‌هایی تصمیم‌گیری است که با درجه خاصی مغلوب سایر گزینه‌های می‌شوند. این روش از دو شاخص برای ارزیابی گزینه‌های تصمیم‌گیری استفاده می‌کند. وظیفه شاخص هماهنگ ۲۱ (موافق) اندازه‌گیری مزیت نسبی یک گزینه بر روی تمامی گزینه‌های تصمیم‌گیری است، در حالی که وظیفه شاخص ناهماهنگ ۲۲ (مخالف) اندازه‌گیری معایب نسبی یک گزینه نسبت به سایر گزینه‌ها است. در این مرحله تمامی گزینه‌ها نسبت به تمامی معیارها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و مجموعه‌های موافق و مخالف تشکیل می‌شود. ماتریس موافق مربع $m*m$ بوده که قطر آن فاقد عنصر می باشد و سایر عناصر این ماتریس نیز از جمع اوزان شاخص‌های متعلق به مجموعه موافق حاصل می‌شود. ماتریس مخالف مربع $m*m$ بوده که قطر آن فاقد عنصر می‌باشد و سایر عناصر این ماتریس نیز از ماتریس بی مقیاس شده موزون حاصل می‌شود. در ادامه روش بایستی ماتریس کلی مؤثر را مشخص نماییم که این ماتریس از ضرب تک تک درایه‌های ماتریس تسلط موافق در ماتریس مخالف حاصل می‌شود. در مرحله نهایی برای رتبه‌بندی شاخص‌ها باید ماتریس تسلط نهایی را محاسبه کنیم.

این ماتریس ترجیحات جزئی گزینه‌ها را بیان می‌کند. در واقع گزینه ارجح گزینه‌ای است که دارای کمترین عدد ۱ در ستون باشد (جدول ۳) (میرفخرالدینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۶).

جدول ۱- وضع موجود محلات هدف در مشارکت پذیری زنان در محلات منطقه ۲۰ طی سال های ۱۳۸۹-۹۰

مشارکت فعالیتهای فرهنگی	آشنایی با مشکلات محله	مشارکت در فعالیتهای آموزشی	مشارکت در حل مشکلات محله	مشارکت در حل مسائل اجتماعی	تمایل به مشارکت	شاخص محلات
۴/۹۰	۳/۸۷	۳/۳۳۳	۴/۴۴۴	۵	۱۴/۳۲۵	جوانمرد قصاب
۱/۹۵	۲/۶۶۷	۲/۲۲۲	۲/۲۲۲	۵	۱۴/۳۲۵	منصوریه
۸/۵۰	۱۰/۶۶۷	۴/۴۴۴	۴/۴۴۴	۴۵	۳۴/۳۵۶	دیلمان
۳/۶۱	۱/۳۳۳	۲/۲۲۲	۳/۳۳۳	۱۵	۲۸/۶۳۹	بهشتی
۴/۵۰	۳/۳۳۳	۴/۴۴۴	۳/۳۳۳	۳۵	۱۴/۳۲۵	ظهیرآباد
۳/۱۴	۳/۳۳۳	۰	۲/۲۲۲	۱۰	۱۱/۴۳۱	حمزه آباد
۶/۰۵	۷/۳۳۳	۴/۴۴۴	۲/۲۲۲	۲۰	۸/۶۱۶	ولی آباد

مأخذ: سالنامه آماری شهرداری تهران، ۱۳۸۹-۹۰

²⁰ Roy

²¹ Concordance

²² Discordance

جدول ۲- ماتریس نرمال شده

شاخص محلات	درصد تمایل به مشارکت	درصد مشارکت در حل مسائل اجتماعی	درصد مشارکت در حل مشکلات محله	درصد مشارکت در فعالیت‌های آموزشی	درصد آشنایی با مشکلات محله	درصد مشارکت فعالیت‌های فرهنگی
جوانمرد قصاب	۰/۲۷	۰/۰۷۹	۰/۵۴۳	۰/۳۷۲	۰/۲۶۵	۰/۳۶۵
منصوریه	۰/۲۷	۰/۰۷۹	۰/۲۹۵	۰/۲۴۸	۰/۱۸۲	۰/۱۴۵
دیلمان	۰/۶۴۷	۰/۷۰۹	۰/۵۹	۰/۴۹۶	۰/۷۳	۰/۶۳۴
بهشتی	۰/۵۳۹	۰/۲۳۶	۰/۴۴۲	۰/۲۴۸	۰/۰۹۱	۰/۲۶۹
ظهيرآباد	۰/۲۷	۰/۵۵۲	۰/۴۴۲	۰/۴۹۶	۰/۲۰۸	۰/۳۳۶
حمزه آباد	۰/۲۱۵	۰/۱۵۸	۰/۲۹۵	۰	۰/۲۰۸	۰/۲۳۴
ولی آباد	۰/۱۶۲	۰/۳۱۵	۰/۲۹۵	۰/۴۹۶	۰/۵۰۲	۰/۴۵۱

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴

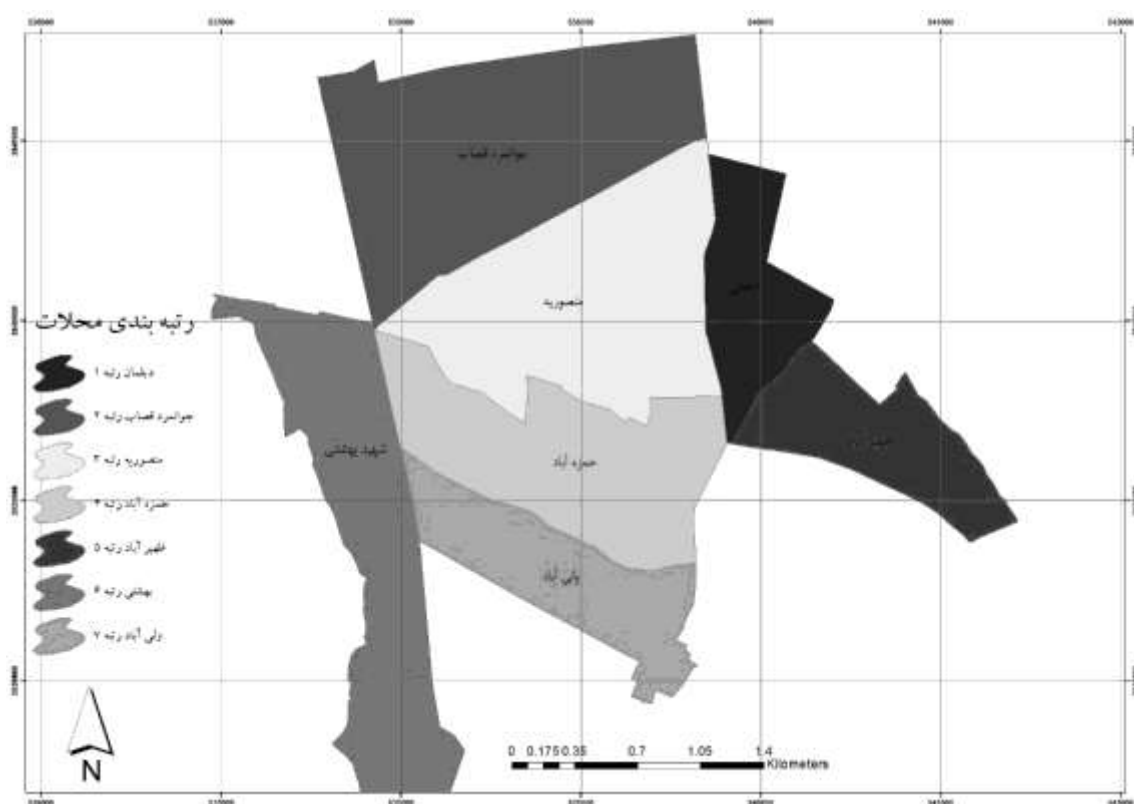
جدول ۳- ماتریس تسلط نهایی

code	محلات	جوانمرد قصاب	منصوریه	دیلمان	بهشتی	ظهيرآباد	حمزه آباد	ولی آباد
A1	جوانمرد قصاب	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱
A2	منصوریه	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱
A3	دیلمان	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱
A4	بهشتی	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱
A5	ظهيرآباد	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱
A6	حمزه آباد	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
A7	ولی آباد	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰
-	ترجيحات شاخص	۱	۲	۰	۵	۴	۳	۶

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴

رتبه‌بندی نهایی:

A1 > A2 A1>A4 A1>A5 A1>A6 A1>A7
 A2>A4 A2>A5 A2>A6 A2>A7
 A3>A1 A3>A2 A3>A4 A3>A5 A3>A6 A3>A7
 A4>A7 A5>A4 A5>A7
 A6>A4 A6>A5 A6>A7
 A3> A1> A2>A6> A5 > A4> A7



شکل ۲- رتبه بندی مشارکت زنان در محلات منطقه ۲۰

۶- بحث و نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل داده‌ها با الگوریتم الکترا نشان داد که گزینه مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی بالاترین اولویت را بدست آورده است. به علاوه در این پژوهش میزان مشارکت محلات مورد ارزیابی قرار گرفت و نتیجه اینکه محله دیلمان، جوانمرد قصاب، منصوریه، حمزه آباد، ظهیرآباد، بهشتی و ولی آباد به ترتیب در رتبه‌های ۱ تا ۷ قرار گرفته‌اند. میزان مشارکت زنان در محلات دیلمان و جوانمرد قصاب در وضعیت مطلوبی نسبت به سایر محلات منطقه قرار دارند که رتبه‌بندی محلات در شکل شماره ۲ نیز قابل مشاهده است. همچنین مشاهده می‌شود که محلات واقع در شمال منطقه دارای وضعیت بهتری نسبت به محلات

جنوبی منطقه می‌باشند. به عبارت دیگر می‌توان گفت میزان مشارکت فعالیت‌های فرهنگی در شمال منطقه ۲۰ تهران نسبتاً قابل قبول است.

منابع

۱. اسماعیلی، رسول، منشی زاده، مسعود و شکاری، غلام عباس (۱۳۹۲) «بررسی و رتبه بندی عوامل کلیدی تاثیرگذار بر مشارکت شوراهای اجتماعی محلات در مدیریت شهری»، پنجمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد.
۲. اکبری، حسین (۱۳۹۱): "نقش زنان در توسعه پایدار محیط زیست"، مجله زن در توسعه و سیاست. دوره ۱۰، شماره ۴، ۲۷-۵۶.
۳. حسینلو، معصومه و آقایی، عادل (۱۳۹۲) «نقش شورایاران در جلب مشارکت شهروندی (نمونه موردی: منطقه ۴ شهر تهران)»، پنجمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد.
۴. خادم الحسینی احمد، شمس مجید، میرعنایت ناهیدالسادات (۱۳۹۰): "بررسی عوامل بازدارنده در استفاده از فضاها شهری برای گذراندن اوقات فراغت (مطالعه مورد منطقه ۳ شهر اصفهان)", فصلنامه فضای گردشگری، دوره ۱، شماره ۲، ۹۵-۱۰۵.
۵. خانی، فضیله و منیژه احمدی (۱۳۸۸): "تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم گیری های اقتصادی - اجتماعی در مناطق روستایی"، مجله پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، ۹۵-۱۱۳.
۶. خلیجی، محمد علی و وظیفه شناس، رسول (۱۳۹۲): اولین کنفرانس ملی خدمات شهر و محیط زیست، مهر ۹۲، مشهد، ایران.
۷. ذکریایی، منیژه و مختاریپور، مهدی (۱۳۸۹): "بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر کارآفرینی زنان مطالعه موردی شهرستان کرج"، پژوهش نامه علوم اجتماعی، دوره ۴، شماره ۳، ۱۵۵-۱۷۱.
۸. رستمی، مصطفی (۱۳۸۳): "بررسی وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی (منطقه ی شاخص: شهرستان ساری)", پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۳، ۳۹-۶۶.
۹. رسول پور عربی، حسین (۱۳۷۶): "بررسی نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر"، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۱۰. رضازاده، راضیه و محمدی، مریم (۱۳۹۱): "بررسی حضورپذیری زنان در فضاهای شهری"، فصلنامه هویت شهر، دوره ۱۲، سال ۶، ۱۵-۲۶.
۱۱. روح افزا، فائزه و اکرامی عطیه (۱۳۸۸): "ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در راستای اهداف توسعه پایدار"، فرهنگ، شماره ۷۰، ۱۶۹-۱۹۴.
۱۲. زاهدی، شمس السادات (۱۳۷۶): "توسعه پایدار و اصل آهینین منافع شخصی"، فصلنامه مدیریت دولتی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، دوره ۱۱، شماره ۳، ۱-۷.
۱۳. زرین جوی الوار، سهیلا و عباسپور احسان (۱۳۹۱): "نقش زنان در بازاریابی کارآفرانه"، فصلنامه زن و فرهنگ، دوره ۳، شماره ۱۲، ۸۱-۹۲.
۱۴. ساعی ارسی ایرج، ولی پور شهربانو (۱۳۸۸): "شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان جهت مشارکت در توسعه اجتماعی (مطالعه موردی استان لرستان)", مجله علوم رفتاری، دوره ۲، شماره ۱، ۶۷-۱۰۱.
۱۵. سجادی، ژیلدا و سوری فاطمه (۱۳۹۱): "تحلیل مشارکت پذیری زنان ضرورتی در بهسازی سگوتنگاه های غیررسمی (مطالعه موردی محله آبک، منطقه یک شهر تهران)", پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۴، شماره ۴، ۱۸۱-۲۰۲.
۱۶. سعیدی، پرویز (۱۳۸۶): "نقش و جایگاه زنان (دانشجو و فارغ التحصیل) در اشتغال و توسعه"، پژوهش نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، ۱۵۱-۱۸۵.
۱۷. سیف الهی، سیف الله و آناهیتا رازقان. ۱۳۸۷. عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی زنان در ایران (مطالعه موردی تهران)، پژوهش نامه علوم اجتماعی، دوره ۲، شماره ۳، ۵۴-۲۷.
۱۸. صارمی، فرید (۱۳۸۶) «توسعه محله ای در کلانشهر تهران مورد: محله مسکونی بهار»، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.

۱۹. صفری شالی (۱۳۸۰). نقش توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان در توسعه پایدار روستایی. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایر، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی.
۲۰. طواری مجتبی و همکاران (۱۳۸۷)، شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر بهره‌وری نیروی انسانی استفاده از تکنیک‌های MADM، نشریه مدیریت صنعتی، دوره ۱، شماره ۱.
۲۱. عطایی محمد، (۱۳۸۸)، انتخاب محل مناسب برای احداث کارخانه آلومینا - سیمان با استفاده از روش الکترو، نشریه بین‌المللی علوم مهندسی، شماره ۹، جلد ۱۹.
۲۲. کولایی، الهه و حافظیان، محمد حسین، ۱۳۸۵. نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی، مجله پژوهش زنان، دوره ۴ شماره ۱ و ۳۳-۲۶۰.
۲۳. گلرد، پروانه ۱۳۸۳. ویژگی‌ها، انگیزه‌ها و اهداف ترغیب‌کننده زنان ایرانی در توسعه کسب و کار. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی شماره ۴۴.
۲۴. لهسایی زاده، عبدالعلی، جهانگیری، جهانگیر و خواجه نوری. ۱۳۸۴. بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی مطالعه موردی استان فارس. جامعه‌شناسی ایران. دوره ۶ شماره ۳.
۲۵. لیس توریس، اماری و دل روزاریو، روزاریو. ۱۳۷۵. جنسیت و توسعه. ترجمه جواد یوسفیان. تهران. انتشارات بانو.
۲۶. محمودیان، حسین. ۱۳۸۲. بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استان‌ها در سال‌های ۶۵ و ۷۵. نامه علوم اجتماعی شماره ۲۱. صص ۲۱۸-۱۸۹.
۲۷. ملک محمدی و زهرایی کراچیان ۱۳۸۷. رتبه‌بندی جواب‌های مدل بهینه‌سازی چند هدفه بهره‌بردی از مخازن با روش ELECTRE، مجموعه مقالات سومین کنفرانس مدیریت منابع آب ایران تبریز. ایران.
۲۸. میرفخرالدینی حمید. ۱۳۸۹. شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر بهبود کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی با استفاده از تکنیک تصمیم‌گیری چند شاخصه. مجله مدیریت سلامت. شماره ۴۳، تهران.
۲۹. نوابخش، مهرداد. ۱۳۸۸. بررسی وضعیت کارآفرینی زنان در مراکز تولیدی تهران و حومه. مجله مدیریت فرهنگی شماره ۶.
۳۰. هزارجریبی، جعفر. ۱۳۸۶. بررسی نقش زنان ایرانی در فرایند کارآفرینی. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۲۳.
31. Berg L. S. A. 2002. Transport Infrastructure Regional Study in the Balkans, Final Report, Appendix 8 ELECTR TRI
32. Carley, M, Kirk, K., 1998, Sustainable by 2020? A Strategic Approach to Urban Regeneration for Britain's Cities, Policy, Bristol.
33. Chant, S. and Cathy Mellwaine, 2009, Geographies of Development in the 21st Century: An Introduction to the Global South, UK, and Cheltenham.
34. Chant, S., 2003, Female Household Headship and the Feminization of Poverty: Facts, Fiction and Forward Strategies, Gender Institute, London School of Economics.
35. Desai, V., 1995, Community Participation and Slum Housing: A study of Bombay, Sage Publications, India.
36. Glass, J., 1979, Citizen Participation in Planning: The Relationship Between Objectives and Techniques, Journal of the American Planning Association, Vol. 45, No. 1, PP. 180-189
37. Hall, T., 1998, Urban Geography, Routledge, London.
38. Hamdi, N. and Geothert, R., 1997, Action Planning for Cities: a Guide Community Practice, John Wiley, and England.
39. Klasen, S., 2006, UNDP's Gender Related Measures: Some Conceptual Problems and Possible Solutions, Journal of Human Development, Vol. 7, No. 2, PP.243-74.
40. Lee, J. K. and Park, H.G., 2011, Measures of Women's Status and Gender Inequality in Asia: Issues and Challenges, Asian Journal of Women's Studies, Vol. 17 No. 2, PP.7-31.

41. Lenzi, Michela, Vieno Alessio, Pastor, Massimiliano, Santinello, Massimo. (2013) .Neighborhood social connectedness and adolescent civic engagement: an integrative model, journal of environmental psychology, vol.34, 45-54.
42. Lucas Emma 2001. "Social Development Strategies of a Non-governmental. Grassroots Women's Organization in Nigeria". International Journal of Social Welfare. Vol. 10:185-193.
43. Ramachandran, L., Alagumurthi, N. (2013). Lean manufacturing facilitator selection with vikor under fuzzy environment, international journal of current engineering and technology, vol. 3, 2277- 4106.
44. Riddell, R., 2004. Sustainable Urban Planning Tipping the Balance, Blackwell publishing.
45. Roy, B., 1991. The Outranking Approach and the Foundation of ELECTRE Methods, Theory and Decision, 31, 1991, pp 49-73.
46. Sadeka, Halim 2005, Gender and Rural Electrification: A case from Bangladesh, A paper to present in Asian Regional Workshop on Electricity and Development, 28-29 April
47. UNHSP, 2009, Planning Sustainable Cities, United Nations Human Settlements Program, Earth Scan, England.
48. Yu, W. 1992. ELECTRE TRI: aspects methodologies ET Manuels' d'utilisation. Document du lamsade, vol 74. University Paris- Dauphine.